

---

## تعاونیهای زنان روستایی ضرورت، یا موج

---

دکتر حمید انصاری

(استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)



---

در این مقاله کوشش شده است ضرورت تشکیل تعاونی برای زنان و مسائل و موانعی که بر سر راه آنها قرار دارد، به بحث گذاشته شود. همچنین علاوه بر ترسیم تصویر مختصری از کاراقتصادی، شرایط و جایگاه و منزلت زن در بخش روستایی در کشورهای جهان سوم و بهره گیری از این نیرو در جهت لزوم تشکیل تعاونیها و کاربرد آنها، از تجربیات گذشته تعاونیها در بخشهای مختلف اقتصاد کشور، بویژه بخش کشاورزی، و نیز تجارب دیگر کشورهای جهان سوم استفاده شده است. امید است انشاء... این آغاز راهی باشد برای بررسی و کار کارشناسی عمیقتر، چه در مورد تعاونیهای زنان روستایی و چه تعاونیها به طور کلی.

---

## ۱ - ویژگیهای نقش اقتصادی و اشتغال زنان روستایی در جهان سوم:

براساس مدارک و واقعیات موجود، زنان سهم عمده‌ای در فعالیتهای اقتصادی و تولیدی کشورهای جهان سوم دارند. در این کشورها حوزه فعالیت اقتصادی آنها عمدتاً بخش غیر رسمی (سنتی) اقتصاد ملی است و به عنوان تولیدکنندگان جزء، فروشندگان کالا و یا کارگران خدماتی فعالیت می‌کنند.<sup>(۱)</sup> این تقسیم‌بندی، بویژه در بخش کشاورزی مصداق روشنتری دارد. در عین حال دستمزد زنان برای کارهای مشابه بسیار کمتر از مردان است به طوری که در اکثر کشورهای در حال توسعه زنان ۲۵ درصد بیشتر از مردان کار می‌کنند، ولی حقوق آنها ۴۰ درصد کمتر از مردان است.<sup>(۲)</sup> به نظر کاندیوتی (Deniz Kandiyoti) کار در مقابل دستمزد در بخش رسمی اقتصاد زمانی به زنان پیشنهاد می‌شود که به خاطر دستمزد کمتر آنان، منافع کارفرما در استخدام زنان مشهود می‌باشد.<sup>(۳)</sup> اگرچه اصولاً کار و تولید در بخش سنتی سخت و طاقت فرساست، ولی علاوه بر آن کارهای سخت تری نظیر جمع‌آوری هیزم و نشاء برنج در شالیزارها و یا کشاورزی در مزارعی که در شرایط مناسبی قرار ندارند<sup>(۴)</sup>، به عهده زنان روستایی واگذار می‌شود. این مسئولیتها در شرایطی است که آنها وقت و انرژی زیادی صرف تولید و نگهداری فرزندان و خانه‌داری می‌کنند. با وجود همه این مشکلات زنان شاغل در بخش کشاورزی با درآمد ناکافی از منزلت و موقعیت اجتماعی متناسب با نقش اجتماعی خود نیز برخوردار نیستند. در چنین شرایطی زنان امکانات و ابزار لازم را برای تغییر وضع و بهبود فعالیتهای اقتصادی و موقعیت اجتماعی خود ندارند. از جمله، راههای دسترسی به آموزش، کسب مهارت و تخصصها به روی آنها بسته است. تشکیل سازمانهای رسمی اقتصادی به وسیله آنها با مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اداری بسیاری روبه رو می‌شود، به منابع مالی و اعتباری (غیر دولتی و دولتی) به علت نداشتن وثیقه معتبر و به رسمیت نشناختن آنها به عنوان اعضای فعال اقتصادی جامعه به وسیله نهادهای سنتی و سازمانهای رسمی اعتباری، کمتر دسترسی دارند و اگر هم داشته باشند، امکان هزینه کردن مستقل و امها به ایشان داده نمی‌شود و...

بسیاری از تحقیقات در زمینه اشتغال زنان و موقعیت اقتصادی آنها در جامعه روستایی به این نتیجه رسیده است که عوامل بنیانی و مؤثر در پیدایش مشکلات بالا در کشورهای جهان سوم (و حتی کشورهای صنعتی) عبارت است از:

- ۱) بی توجهی به فعالیتهای اقتصادی زنان بویژه در جامعه روستایی و مطرح نشدن و تعریف نکردن آنها در تعاریف و اسناد رسمی کشورها و برجای ماندن نگرش سنتی به کار آنها،
- ۲) سلطه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرد در جامعه و بخصوص در بخش روستایی و نقش فرعی و وابسته زنان.

۳) تبعیض در شرایط اشتغال و کار زن در جامعه که عمدتاً محصول سلطه مردان است.

۴) فرصتهای اندک زنان برای تحصیل و کسب مهارتهای جدید به علت اشتغال زیاد آنها در خانه، فقدان استقلال رأی و عمل (وابستگی به مرد) و اغلب عدم دسترسی به نهادهای لازم. چنین وضعیتی ممکن است موجب شود که حتی پس از گذار جامعه از شکل سنتی به غیرسنتی و پیدایش نهادهای رسمی و گسترش روشهای جدید زندگی و تولید، زنان به علت نداشتن تواناییهای لازم برای مشارکت در شرایط نوین، ازگردونه کار و تولید به کلی خارج شده و بیشتر در خانه و محدوده فعالیتهای کم اهمیت محبوس شوند و جایگاه فعلی خود را نیز در فعالیتهای اقتصادی از دست بدهند.

شاهد این تحول در جامعه روستایی ما نقش و جایگاه زنان در نهادهای جدیدی است که در دهه های اخیر در روستاها ایجاد شده است. مشاهده جامعه روستایی و نهادهای جدید آن تفوق مردان را در آنها به خوبی نشان می دهد. زنان در تعاونیها، شوراهای اسلامی روستایی و ... نقش مدیریتی ندارند و حتی عضویت آنها در تعاونیها و مشارکت آنها در مجامع عمومی و جلسات عمومی شوراهای اسلامی در روستا اگر صفر نباشد، بسیار ناچیز است،

عدم حضور زنان روستایی ایران در سازمانها و نهادهای رسمی جدید، واقعیتی است که ریشه در کمبودها، نارساییها، بی توجهیهای کارشناسانه و امکانات برنامه ای دارد، که وقتی با عناصر فرهنگی

جامعه و اصول حاکم بر تفکر و تلقی مدیران، برنامه‌ریزان و هامة مردم شهری و روستایی همراه می‌شود و برهم تأثیر می‌گذارد به مرور زمان به سنگ خارایی سخت و غیرقابل نفوذ تبدیل می‌شود که زن را به تحجر، از خود بیگانگی و بی‌قابلیتی و در نتیجه گوشه‌گیری و بی‌منزلفتی بیشتر می‌کشد.

برای رفع این نقیصه که با ایجاز تمام در سطور بالا ترسیم گردید، باید موضوع را بدون فوت وقت مورد بررسی عمیق و موشکافانه قرار داد و در صورت تأیید، راههای تغییر آن را مشخص و برنامه‌ریزی کرد. چنین برنامه‌ای قطعاً دارای ابعاد مختلفی خواهد بود و باید به مسائل متعددی از قبیل اصلاح قوانین و مقررات مربوط، ایجاد امکانات و تسهیلات لازم برای زنان در قالب امکانات عمومی جامعه، ارائه آموزشها و گسترش مهارتهای آنان، ایجاد نهادها و سازمانهای ضروری برای زنان و ... پردازد. در پرداختن به مقوله نقش زن در جامعه، در سیاستگذاری و تنظیم این برنامه لازم است به نکات زیر توجه شود:

اول) جهت اقدامات و هدف نهایی برنامه‌ها باید رسیدن به شرایطی باشد که زن در جامعه ادغام گردیده و قسمتی از نیروی خلاقه و نیروی کار جامعه در بخشهای اقتصادی و فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی راتشکیل دهد، نه اینکه به تفکیک و تقسیم ذهنی و ارزشی و عملی جامعه به دو گروه مرد و زن منتهی گردد. چه در این صورت به وابستگی و زبردست بودن زن کمک شده است. بنابراین در بسیاری موارد ایجاد نهادهایی برای زنان مثل سازمانهای آموزشی و ... به هدف مورد نظر کمک نخواهد کرد.

دوم) هدف اقدامات اولیه، باید در درجه اول تقویت اعتماد به نفس و ایجاد روحیه خوداتکایی، برپایه شناخت و آگاهی در زنان باشد، نه لزوماً افزایش تولید و بازده اقتصادی<sup>(۵)</sup>. چه خودباوری و اتکاء به خود جوهره اصلی ضروری و پایه ایفای نقش مناسب در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پایه‌گذار استحکام مقام و منزلت اجتماعی والای انسانها، گروههای انسانی و کشورها است<sup>(۶)</sup>.

روشن است هر قدر تأکید بر نکته اخیر تاکتیکی است و هدف آن برنامه‌های کوتاهمدت است. نکته اول استراتژیک است و در برنامه‌های دراز مدت و حتی در حوزه سیاستگذاری برای این مقوله می‌گنجد.

## ۲ - تگاهی آماری به اشتغال زنان روستایی در ایران:

براساس آمارگیری جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰ مرکز آمار ایران، بیش از ۲۳/۶ میلیون نفر (۴۲/۳ درصد) از جمعیت کشور در روستاها سکنی دارند که نزدیک به ۱۱/۵ میلیون نفر آنها (۲۰/۶ درصد جمعیت کل کشور و ۴۸/۰۶ درصد جمعیت روستایی) را زنان تشکیل می‌دهند. با وجود کاهش نسبت جمعیت روستایی - شهری در طول سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ قدر مطلق آن و همچنین قدر مطلق جمعیت زنان روستایی پیوسته رو به افزایش بوده است. جمعیت روستایی از حدود ۱۳ میلیون به ۲۳/۶ میلیون نفر و تعداد زنان روستایی از ۶/۴ به نزدیک ۱۱/۵ میلیون نفر رسیده است. از این تعداد نزدیک به ۷/۱ میلیون نفر یعنی ۶۱/۶ درصد زنان روستایی در سن فعالیت هستند، که از این عده، تعداد ۶/۶ میلیون نفر از لحاظ اقتصادی فعالند. جدول شماره ۱ تغییرات زنان فعال روستایی را در طول ۳۵ سال نشان می‌دهد.

جدول ۱ - جمعیت زنان روستایی ۱۰ ساله و بیشتر برحسب فعالیت در سرشماریهای عمومی کشور جمعیت برحسب ۱۰۰۰۰ نفر

سال	کل جمعیت زنان روستایی ۱۰ ساله و بیشتر*	جمعیت فعال			جمعیت غیر فعال		
		جمع	شاغل	بیکار جوانی کار	جمع	محصل	خانه‌دار
۱۳۷۰	۷۷۲۷	۶۶۱	۲۷۲	۱۸۷	۶۹۸۷	۱۳۵۷	۵۱۲۶
۱۳۶۵	۷۰۸۷	۵۶۲	۴۴۴	۱۱۶	۶۵۲۵	۸۳۸	۵۰۵۶
۱۳۵۵	۵۷۹۶	۹۶۰	۷۵۲	۲۰۸	۴۸۳۴	۳۷۹	۴۲۳۲
۱۳۴۵	۴۹۹۷	۷۱۴	۶۳۶	۷۸	۴۲۸۲	۸۴	۳۸۳۲
۱۳۳۵	۲۲۲۸	۳۸۸	۳۸۷	۱۰	۳۸۲۰	۱۷	۳۲۱۴
۱۳۲۵	-	-	-	-	-	-	-
۱۳۱۵	-	-	-	-	-	-	-
۱۳۰۵	-	-	-	-	-	-	-
۱۲۹۵	-	-	-	-	-	-	-
۱۲۸۵	-	-	-	-	-	-	-
۱۲۷۵	-	-	-	-	-	-	-

\* در آمار مربوط به سال ۱۳۷۰ اظهار نشده‌ها در جمعیت کل زنان روستایی آورده شده است.

مأخذ: سالنامه آماری کشور ۱۳۶۹ - صفحه ۶۳ و آمارگیری جمعیت ۱۳۷۰ - صفحه ۵۹

به طوری که ملاحظه می‌شود تعداد زنان فعال از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ به سرعت افزایش یافته است (نزدیک به ۲/۵ برابر شده است) در حالی که آمار سال ۱۳۶۵ کاهش حدود ۴۱/۵ درصد نسبت

سال ۱۳۵۵ نشان می‌دهد. احتمالاً این کاهش را باید به تحولات و تغییرات سالهای اولیه بعد از انقلاب نسبت داد، چه در ۵ ساله ۱۳۶۵ - ۷۰ حدود ۲۰ درصد به شمار زنان فعال جامعه روستایی افزوده شده است. براساس این واقعیات، باید پیشبینی کرد که در سالهای آینده نیز تعداد زنان بالقوه یا بالفعل فعال در بخش روستایی، روندی افزایش خواهد داشت.

علاوه بر افزایش نیروی کار و در نتیجه بالا رفتن تقاضا برای فرصتهای جدید اشتغال در بین زنان جامعه روستایی، در این بخش ما با مسئله دیگری هم روبه‌رو هستیم و آن فقر فزاینده است. آمار و ارقام مربوط به هزینه‌ها و درآمدهای خانوار روستایی مؤید این است که فقر در میان خانوارهای روستایی گسترده‌تر و عمیق‌تر از شهرها است. وجود و افزایش این پدیده در جامعه روستایی، در کنار عوامل دیگر از یک طرف موجب بروز نابسامانیهای بیشتر در شاخصهای اجتماعی مثل بهداشت، تغذیه، آموزش و ... می‌شود.

در عین حال مبارزه با فقر و نابسامانیهای اجتماعی، اقتصادی ناشی از آن بدون ایجاد تغییر و اصلاح شرایط و حوزه کار زنان ممکن نیست. کوشش در بهبود موقعیت اقتصادی زنان در واقع قدمی مؤثر در راه بهبود شرایط کلی جامعه خواهد بود. کارشناسان ارشد دفتر بین‌المللی کار می‌نویسند: «هیچ یورش فراگیری به فقر و بیکاری، موفق نخواهد شد، مگر آن که در راستای بهبود پایگاه اجتماعی و شرایط زندگی زنان گامهای مناسبی بردارد. در خانواده‌های تهیدست، بخش بزرگی از درآمد خانوار از کار زنان تأمین می‌شود... زنان معمولاً تهیه کننده غذا و مشغول مراقبتهای تندرستی خانوار نیز هستند.»<sup>(۴)</sup> از سوی دیگر ترکیب زنان شاغل از نظر نوع فعالیت هم در حال دگرگونی است و سهم بخشهای صنعت، کشاورزی، خدمات و سایر فعالیتهای در ایجاد اشتغال زنان تفاوت کرده است. جدول شماره ۲ تغییرات فوق را نشان می‌دهد.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی

جدول شماره ۲ - زنان شاغل دارای سن ۶ سال و بالاتر برحسب گروههای عمده فعالیت و مناطق شهری و روستایی (به درصد)

سال	مناطق شهری			مناطق روستایی		
	کشاورزی	صنعت	خدمات	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱۳۳۵	۴/۱	۳۹/۴	۵۲/۵	۳۵	۵۲/۷	۱۱/۷
۱۳۴۵	۳/۱	۴۵/۷	۴۵/۶	۳۲/۱	۶۱/۲	۵
۱۳۴۷	۴/۲	۴۲/۸	۴۶/۹	۵۱/۳	۴۲	۵/۴
۱۳۵۰	۱/۷	۳۹/۶	۵۳	۴۱/۱	۵۵/۸	۲/۵
۱۳۶۵	۲/۵	۱۲	۷۳/۵	۵۴/۳	۳۲/۶	۱/۱
				۱۲		

\* ارقام این ستون مشتمل از شاغلان فعال در استخراج معادن، ساختمان، برق و گاز و آب، بازرگانی، حمل و نقل و انبارداری و ارتباطات و فعالیتهای غیرقابل طبقه بندی می باشد.

مأخذ: مرکز آمار ایران. سالنامه های آماری مختلف و براساس جدول ص ۶۵ سالنامه آماری ۶۸

افزایش شدید سهم بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال برای زنان روستایی، بین سالهای ۵۰ تا ۶۵ درخور بررسی و تعمق است و اینکه آیا این افزایش که همراه با کاهش سهم بخش صنعت و به احتمال زیاد نتیجه از بین رفتن صنایع روستایی، تغییری در نهادها و سازمانهای فعال بخش کشاورزی خواهد بود؟ یا این روند مطلوب و قابل پذیرش است یا باید با شناخت عوامل و پیشرفت بیشتر آن جلوگیری کرد؟ این واقعهتها ما را بر آن می دارد تا از هر وسیله معقول در جهت پیشرفت بیشتر آن استفاده کرد؟

کدام فعالیتهای اقتصادی زنان، ایجاد فرصتهای جدید اشتغال و سامان بخشیدن به تولید و اصولی بین بخشهای مختلف جامعه استفاده کرد.

۳ - تعریف و کارکرد شرکت تعاونی:

در این مختصر قصد آن نیست تا از شرکت تعاونی تعریف آکادمیک داده شود،

اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی

و متعدد آن در شرایط زمانی و مکانی مختلف بررسی شود، بلکه هدف آن است که برداشت مشترک و همگن، در حداقل زمان، بین نویسندگان و خوانندگان این مقاله به وجود آید تا از سوء تفاهم جلوگیری شود. بدین ترتیب:

شرکت تعاونی سازمانی است برای دستیابی به یک (یا چند) هدف تعریف شده (اقتصادی یا غیراقتصادی) که این هدف وجه مشترک افراد عضو در این سازمان بوده و امکانات لازم برای رسیدن به آن حتی المقدور به وسیله آنها فراهم می آید و همه اعضا از مزایا و نتایج آن بطور عادلانه بهره مند می شوند. در تعریف فوق چند نکته نهفته است که در مورد آنها بحث بیشتری می شود:

اول اینکه، شرکت تعاونی تشکلی است رسمی که دارای همه ویژگیهای سازمانهای جدید است و بدین صورت از سازمانها و نهادهای سنتی مجزا و متمایز می گردد. نحوه سازماندهی، شکل مدیریت و تش سرمایه و نحوه تأمین آن و نیروی انسانی و روابط آنها، نوع قوانین و مقررات حاکم بر آنها... همه از نوع متعدد این تمایز است. تعداد تفاوت و فاصله بین روشها و معیارهای حاکم بر این سازمان رسمی با آنها و ارزشهای موجود و معمول (بویژه در جوامع سنتی روستایی) از جمله مسائل بسیار مهم و ذاری است که باید به آن توجه داشت. این فاصله در هر مرحله از تکامل سازمان رسمی باید تمی تنظیم شود که در حد درک پذیرش و اجرا به وسیله اعضا بالقوه تعاونیها باشد.

همبستگی اعضا و یگانگی شرکت تعاونی و گروه عضو می شود. در صورت تحقق این شرکت که اعضا در تأمین نیازهای سازمان فعال خواهند شد و «مشارکت فرد در سازمان» عینیت مشارکت عضو در تعاونی را باید از مهمترین عوامل توفیق تعاونی دانست. مهمترین رکت و شرایط آن در قسمت بعدی تشریح خواهد شد.

که اعضا مسئول تأمین نیازها و تهیه امکانات لازم برای فعالیت شرکت می باشند. تعاونی، سرمایه کافی و مدیران و مدیریت مناسب است. تصور تهیه سرمایه و تأمین



مدیران لایق و مدیریت اصولی، منفک و مستقل از واقعتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای که تعاونیها در بستر آن شکل گرفته است یا می‌گیرد، تصویری خطا و غیرعملی است. از آنجا که متأسفانه تأثیر این واقعیت در تعاونیها بخصوص در بخش کشاورزی جهان سوم اکثراً و یا همگی منفی است، بنابراین از تفکر علمی و واقع‌بینی محققانه به دور است که از شروع تشکیل تعاونیها، نسخه استقلال و اتکاء به خود را برای آنها بنویسیم. به ناچار باید با برنامه و به شکلی اصولی که به استقلال آنها منجر می‌شود تا مدتی آنها را در فراهم آوردن شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی لازم برای رسیدن به خودکفایی مالی و خوداتکایی مدیریتی حمایت کنیم.

چهارم اینکه از مزایای تعاونی و نتایجی که از آن به دست می‌آید، باید همه اعضا بطور عادلانه (قطعاً عدالت نسبی موردنظر است نه مطلق غیرعملی) بهره‌مند گردند. این امر ممکن نیست مگر آن که همه اعضا منافع و مصالح خود را در تحقق اهداف شرکت ببینند (اشتراک اهداف) و در این صورت است که مشارکت آنها در تأمین امکانات موردنیاز شرکت عمیقتر شده و استمرار خواهد یافت.

بررسی کارکرد تعاونیها در ارتباط با کشورهای جهان سوم باید در دو مقطع و مرحله صورت گیرد، در مقطع اول که تا اوایل دهه ۶۰ میلادی ادامه داشت و تعاونیها دقیقاً براساس تجربه کشورهای صنعتی و غربی ایجاد شدند و نقش اصلی آنها اصلاح ساختار توزیع، تأمین مسکن، نهادهای سنتی اعتباری و فروش محصولات از راه تشکیل تعاونیهای مصرف، مسکن، اعتبار و بازاریابی بود. در مرحله دوم که با اوج گرفتن نهضت‌های استقلال طلبانه و کسب حاکمیت سیاسی این کشورها آغاز شد، تعاونیها مسئولیتهای جدیدی یافتند و به عنوان نهادی توسعه‌ای که باید در کمیت و کیفیت توسعه (۳) تأثیرگذار باشد مطرح شدند. کارکرد تعاونیها در چنین شرایطی بویژه در بخش روستایی در سه زمینه زیر مورد تأکید قرار گرفت:

اول، کانال ارتباطی، یعنی ایجاد ارتباط عملی و فعال دو سویه بین واحدهای کشاورزی و روستاها با خارج از آنها به منظور مبادله محصولات، نهاده‌ها، اعتبار، اطلاعات و دانش فنی و هر شکل

دیگر آموزش، به صورتی که منافع و مصالح طرفین در آن ملحوظ باشد، چه هیچ توسعه‌ای بدون «مبادله منصفانه» عملی نیست.

دوم، شناسایی و به‌کارگیری منابع و امکانات بالقوه و بالفعل محلی (بویژه منابع کوچک و محدود) اعم از انسانی، مالی، طبیعی و... که توسعه روستایی بدون آنها، به شهادت تجارب برخی کشورهای درحال توسعه، کند و وابسته خواهد شد.

سوم، مشارکت، یعنی متشکل کردن و تضمین حضور و دخالت سازمان یافته و مؤثر مردم در امور جامعه خود. مشارکت در شکل کلان آن را می‌توان در تصمیمگیری در خصوص تأمین نیازهای جامعه، تعیین اولویت آنها، انتخاب راه ارضاء آنها، تدوین طرحهای مناسب، تهیه امکانات لازم در حد ممکن، اجراء و نظارت بر اجرای طرح و... خلاصه کرد. در حالی که مشارکت اعضاء تعاونی در امور تعاونی (صورت خود مشارکت) به تأمین منابع مالی، شرکت در مجامع و ادغام وظایف عضو نظیر انتخاب راه آینده تعاونی، تصویب ترازنامه و... انتخاب مدیران لایق و... محدود می‌شود. تقبل و اجرای چنین نقشهایی تعاونیها را به عنوان یکی از انواع «سازمانهای مشارکتی» محلی معرفی کرده است. مردم در قالب این نهاد می‌توانند مشارکت و حضور خود در توسعه راه، در مقام بهره‌برداران اصلی از توسعه، تحقق بخشند و بدین وسیله آنها را از نظر ذهنی به تصمیمگیری، نوآوری و باور خویشتن و از لحاظ فیزیکی به تحرک و سازندگی، وادارند و در نهایت درونزایی و خودجوشی توسعه را تأمین کرده و ایجاد نظام غیرمتمرکز برنامه‌ریزی را ممکن سازند.

انجام این مهم به وسیله تعاونیها قطعاً نیازمند وجود باور به این مشارکت و برنامه‌ریزی اصولی و کارشناسانه بر پایه شناخت عمیق روستا و روستایی، اطلاع از موانع و مشکلات بر سر راه آن و تشخیص نیازهای بخش روستایی و کل جامعه در مراحل مختلف ایجاد و هدایت تعاونیهاست.

#### ۴ - آیا تشکیل تعاونیهای زنان روستایی ضرورت است؟

ضرورت تعاونی برای زنان روستایی را باید از شرح کلی و مختصری که از موقعیت آنها در مناطق روستایی کشورهای جهان سوم در صفحات قبل ارائه شده و نیز از زمینه‌های واقعی کار و فعالیت اقتصادی زنان روستایی ایران در مناطق مختلف کشور و عناصر خاص فرهنگی و اجتماعی حاکم بر کار آنها و روابطشان با سایر تولیدکنندگان، گروهها و اقشار اجتماعی و ... دریافت. مسلماً اظهار نظر قطعی و مستدل در مورد ضرورت تشکیل تعاونیهای زنان روستایی باید بر مطالعات موردی و منطقه‌ای متکی باشد. این مطالعات باید موضوعات و زمینه‌های زیر را شامل شود:

(۱) بررسی میزان استقلال اجتماعی و فرهنگی زنان در جامعه روستایی و در هر منطقه هدف از این بررسی باید علاوه بر تبیین نوع رابطه و میزان وابستگی زنان روستایی، شدت و ضعف مردسالاری در جامعه، شناخت راهها و تمهیدات ایجاد و تقویت خودباوری زنان نیز باشد. اعتماد به نفس و خودباوری مایه گرفته از شناخت و آگاهی، در میان اعضاء بالقوه و بالفعل تعاونیها و هرسازمان مشارکتی دیگر، سنگ اولیه بنای چنین نهادهایی است که فقدان آن، عنصر اصلی و سازنده این نهادها را، که مشارکت و حضور فعال اعضاء است، از آنها سلب می‌کند و این سازمانها را بی‌محتوی و بی‌اثر می‌سازد. فرهنگ فقر و سلطه پذیری به دلیل اینکه وابستگی به دیگری و نبود اعتماد به نفس را به همراه می‌آورد، به عنوان مانع اساسی بر سر راه مشارکت و توسعه قلمداد شده است. به همین علت است که در تجربیاتی که، برنامه‌ریزان و مسئولین اجرایی با گروهی زیر سلطه روبه‌رو بوده‌اند، اولین اقدام آنها شناخت شدت این وابستگی و اصولی و منطقی برای یافتن راههای کاهش و یا رفع آن بوده است.<sup>(۸)</sup>

(۲) بررسی و شناخت دقیق حوزه‌های کار و فعالیت اقتصادی و غیراقتصادی زنان روستایی که زن در آن حوزه عامل و عنصر اصلی و تعیین کننده است یا تنها عنصر دخیل و درگیر آن می‌باشد. تشکیل تعاونی برای زنان در چنین زمینه‌ای پس از بررسیهای لازم و همه جانبه می‌تواند توجیه کافی داشته باشد، در غیر این صورت و در مواردی که درکار و فعالیتی، مشارکت زن و مرد وجود دارد و تصمیمگیری و

راهبری آن اختصاص به یکی از آن دو نداشته باشد، تفکیک آنها و تشکیل تعاونیهای زنان یا مردان به شکل جداگانه غیر مفید، بلکه مسئله ساز است.

۳) بررسی و انتخاب اصلح بین تعاونی و سایر اشکال سازمانی ممکن، از یک طرف با توجه به ویژگیها و کارایی انواع سازمانها از جمله تعاونیها در دستیابی به اهداف مورد نظر و از سوی دیگر با عنایت به موانع و تسهیلات موجود بر سر راه تشکیل آن باید انجام گیرد. این انتخاب در مرحله اول میان واگذاری کار به بخش خصوصی، استفاده از سازمانها و دستگاههای اداری دولتی و یا تشکیل نهادی مردمی است. در مرحله دوم در صورت انتخاب شکل سوم (نهاد مردمی) گزینش بین نهادهای مختلف مردمی است که یکی از آنها تعاونیهاست.

۴) بررسی و تعیین دقیق هدف یا هدفهای تشکیل تعاونی. قطعاً منظور از ایجاد چنین نهادی فقط داشتن تعاونی برای زنان روستایی و قرار گرفتن در ردیف کشورهایی که دارای تعاونیهای زنان روستایی هستند، نباید باشد. تشکیل این تعاونی و هر تعاونی دیگر باید برای رفع تنگنا، پرکردن خلاء، جوابگویی به نیاز و... باشد. بنابراین اهداف تعاونیهای زنان روستایی پس از شناخت نیازها و تنگناهای موجود در حوزه فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی آنها میسر خواهد بود که می توان به تجدید سازمان و عقلایی کردن تولید، تأمین مواد، ابزار و نهادهها، اصلاح روشها و تکنولوژی تولید، جایگزینی نهادهای سنتی ناکارآمد به وسیله سازمانهای جدید، ایجاد آگاهی و شناخت در زنان در مورد موقعیت و نقش آنها در زندگی، ایجاد تناسب بین نقش اقتصادی و جایگاه اجتماعی زنان و... اشاره کرد<sup>(۹)</sup>.

نکته مهمی که در تعیین اهداف هر نهاد جدید باید مد نظر قرار گیرد، جلوگیری از خلط و ظایف ولوث شدن مسئولیتهای به دلیل سپردن آن به چند سازمان و نهاد مختلف است. اهداف و وظایف تعاونی زنان روستایی تعریف و مشخص شده بنابراین در صورت تأیید ضرورت تشکلی تعاونیها پس از انجام مطالعات لازم و روابط تعاونی زنان روستایی با سایر تعاونیها (مانند تعاونیهای قالی بافها) و نهادها و سازمانهایی که در مسیر مشابه یا مرتبط به آن عمل می کنند برای جلوگیری از دوباره کاری و مصرف

بیهوده منابع، به روشنی معین و ترسیم شود.

۵) بررسی و حل تناقض بین زندگی سنتی و کار در بخش غیررسمی و مشارکت در سازمان رسمی. چنانچه در پیش گفته شد، اغلب زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه در بخش غیر رسمی به کار و فعالیت مشغولند. ویژگیهای جامعه سنتی و کاربرد بخش غیر رسمی دارای تفاوت‌های اساسی با حضور در سازمان رسمی و جدید است. قبول اصول سازمانی و مدیریت بروز، رفتار متفاوت پذیرش ارزشهای جدید و جایگاه اجتماعی و سازمانی نوین برای افراد و گروهها، ایفای نقش و تمهد انجام مسئولیتهای دیگر و ... از جمله تفاوت‌های این حضور در دو شرایط متفاوت سنتی و جدید است. زنان روستایی در صورتی می‌توانند با موفقیت در این موقعیت جدید قرار گیرند، که قابلیت‌ها و امکانات لازم برای ایفای نقش تازه خود را در اختیار داشته باشند و یا حداقل آمادگی ذهنی و پذیرش فرهنگی آن را به دست آورده باشند.

به نظر نگارنده، عدم توفیق بسیاری از طرحهای توسعه‌ای در بخش روستایی کشورهای جهان سوم به دلیل نادیده گرفتن این پارادکس و یا ساده‌انگاری آن است. در پاره‌ای طرحها، به جای شناختن این تفاوتها و ارائه راه عملی برای گذار انسانها از نظر فرهنگی، فنی و قابلیت‌های کاربردی و ... به وضعیت جدید، به مقداری کلی گویی بی فایده در رابطه با فرهنگ و ... یا روابط اجتماعی و ... بسنده می‌شود، در حالی که در این جا نیاز به تطابق الگوی توسعه با فرهنگ جامعه و نیز سازگاری طرحهای توسعه با این فرهنگ می‌باشد. به بیان آندرس هیورت (A. Hjort) وقتی صحبت از چنین سازگاری به میان می‌آید، منظور «... ایجاد مبانی و ملزومات فرهنگی لازم برای توسعه است، نه فقط تزریق و طرح برخی اطلاعات فرهنگی در مدل توسعه...» در تحقیقات توسعه، مردم شناسان و وظیفه خطیری دارند، آنها باید ویژگیهای فرهنگی جامعه را ارائه دهند تا با شناخته شدن آن واقعیات، بتوان آنها را به صورت کارآمد و مؤثری در مدل توسعه و طرحهای مربوط به آن وارد ساخت<sup>(۱۰)</sup>.

## ۵ - نتیجه گیری:

حاصل آن که تشکیل تعاونی برای زنان روستایی ایران نیاز به بررسی و مطالعات جامع حداقل در پنج زمینه ذکر شده دارد. و وقتی چنین نهادی معنی دار، مؤثر و در نتیجه قابل پذیرش است که یافته‌های تحقیقاتی ضرورت تشکیل آن را تأیید کرده باشد، با هدف معین و مشخص که در این هدف رفع تنگنانهایی که در مقیاس کلی منطقه‌ای و یا حداقل محلی مطرح است، نهفته باشد، شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه شناخته شده باشد، رابطه سازمان مجری (وزارت کشاورزی یا...) به عنوان نماینده و شاخه‌ای از دولت در کوتاهمدت، متوسط و دراز مدت معین و مسیر حرکت و دینامیسم این رابطه<sup>(۱۱)</sup> با دقت لازم معین و ترسیم شده باشد و واحدهای اجرایی دست اندرکار، با شناخت آن ملزم به رعایت و اعمال آن باشند، حوزه کار و تأثیر تعاونی (عملیات شرکت) از اقدامات موردی، و محدود برای اعضاء به اقدام متنوع و گسترده تغییر کنند، تشکیلات مجری برای تضمین ایجاد چنین تعاونیهایی به امکانات و شرایط زیر نیاز دارد:

یک: اعتقاد به تعاونی به عنوان سازمان مناسب برای توسعه جامعه روستایی و توسعه و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گروههای خاص (مثل زنان، جوانان، برنجکاران و...)

دو: اعتقاد به استقلال تعاونیها و جهت دادن تمام کوششها و سرمایه گذاریها برای رسیدن به استقلال تعاونی و جدا شدن از بدنه دستگاه اجرایی دولتی<sup>(۱۲)</sup>.

سه: آموزش نیروها و تهیه امکانات لازم برای پیشبرد طرح تشکیل تعاونی که مهمترین آن کادر آموزش دیده و باتجربه، مخلص و متعهد به مسئولیت بزرگی است که پذیرفته است. این دیدگاه که کار با روستاییان است، دیپلمه و حتی زیر دیپلمه هم کافی است، به هیچ وجه با پیچیدگیها و مشکلات این مسئولیت تناسب ندارد.

چهار: اعتقاد و التزام به کار کارشناسی اصولی و دقیق و قطعاً انجام آن در حد لازم و حوزه‌های مورد نیاز، قبل از اجرای طرح. روش حاکم در دستگاه اداری ما، تدوین طرح و اجرای آن و پس از مدتی

گوشه‌چشمی هم به کارشناس انداختن است. این روش گاهی مصداق نوشتن دارو پس از مرگ «طرح» را دارد.

بدین ترتیب، ضرورت تشکیل تعاونی برای زنان روستایی بستگی به نتایج بررسیها ونحوه جوابگویی به مسائل بالا دارد. از آن جا که زنان روستایی در جامعه ما و بسیاری کشورهای درحال توسعه گرفتار معضلات و کاستیها و نابسامانیهای زیادی هستند، شکل آنها در سازمانهای مناسب برای حل و رفع مشکلاتشان پذیرفتنی است. اما ضرورت تشکیل تعاونی و چگونگی عملکرد آن پس از تشکیل، بستگی به نتایج و مطالعات و رعایت نکات و پیشنهادهایی دارد که در صفحات قبل ارائه گردیده است.



### پانوشتها و منابع

۱) ر.ک. به: نقش زنان آسیا در اقتصاد، گزیده مسائل اقتصادی، اجتماعی، شماره ۳۸ / ۱ / ۱۳۶۴ سازمان برنامه و بودجه ص ۳۵

۲) تازه‌های اقتصاد، شماره‌های ۴۰ و ۳۹، آذر ۱۳۷۲، بانک مرکزی، ص ۴۴ به نقل از *Newsweek* 3) Deniz Kandiyoti, *Women in Rural Production Systems - Problems and Policies*, UNESCO, 1985, P. 56.

۴) Shubh K. Kumar در مقاله «نقش زن در توسعه کشاورزی» می‌گوید: «... در این جا توجه کافی به گروهی که در جریان پذیرش تکنولوژی و روشهای پیشرفته مدیریت در طول فرایند تحول عقب مانده‌اند، بسیار حائز اهمیت است. مزارعی که اداره آنها به دست زنان روستایی است، به نحو برجسته‌ای در این گروه قرار دارند». ر.ک. به تازه‌های اقتصاد، شماره ۲۰، شهریور ماه ۱۳۷۰، بانک مرکزی، ص ۱۷.

«... و یا در شمال شرقی برزیل در منطقه‌ای توسعه نیافته که ده هزار نفر از طریق صیادی معیشت خود را اداره می‌کنند زنان به صورت مجزا در قسمت‌های مردابی وسخت رودخانه به ماهیگیری می‌پردازند و مسئولیت تغذیه خانوار با آنهاست». ر.ک. به:

#### Approach to Participation in Rural Development

۵) گرچه تفکیک این دو هدف یعنی ایجاد روحیه خوداتکایی و بازده اقتصادی در عمل ممکن نیست و طرحهای اصولی هر دو نتیجه را به بار می‌آورد، در این جا منظور من فدا نکردن هدف اول به قیمت به دست آوردن بازده اقتصادی است. به بیان دیگر، به هر ترتیبی، و از جمله نادیده گرفتن حضور زنان در طرح به عنوان ابزار و ماشین به بهای تحصیل نتایج اقتصادی مطلوب. برای مطالعه نمونه‌هایی از هر دو نحوه برخورد ر.ک. به: پل هریسون، فرادی جهان سوم، ترجمه محمد طلوع، چاپ اول، ۱۳۶۶ فصل شانزدهم ص ۲۶ - ۲۴۶

## اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی

۶) این مفهوم در شکل کلی خود از کتاب Deniz Kandiyoti صفحه ۹۷ گرفته شده است که متناسب با موضوع، تکمیل شده است.

۷) گزارش کارشناسان ارشد دفتر بین المللی کار، اشتغال و فقر در جهان برآشوب، ترجمه عزیز کیاوند. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۵ ص ۸۶

۸) از جمله این تجربیات در طرحی که برای بهبود و موقعیت زنان صیاد در منطقه‌ای توسعه نیافته در شمال شرق برزیل که فقر، بی‌سوادی، فقدان بهداشت و... از مشخصه‌های بارز آن است مشاهده گردیده. زنان در این منطقه در شرایط بسیار نامساعد و با تحمل حداکثر فشار به صید می‌پردازند، در طرح مورد بحث پس از چهار سال کار فرهنگی و تماس مستقیم با زنان و ایجاد گروه‌های بحث و گفتگو تغییرات زیر به وجود آمد:

- سال ۱۹۸۰ سال ۱۹۷۶ شروع طرح
- ظاهر شدن پدیده همبستگی در میان زنان
  - فقدان انگیزه مشارکت در زنان
  - تمایل به انجام کوششهایی برای تغییر وضع خود
  - پذیرش رفتار هماره با تحکم و تحقیر
  - تفکر درباره زندگی خود و اطراف خود
  - منفعل
  - سازمان یافتگی و تشکیل بهتر زنان
  - مشکوک به اقداماتی که برای آنها صورت می‌گیرد
  - مظلوم و استثمار شده

از نظر کمی نیز، زنان شرکت کننده در جلسات بحث و گفتگو از ۱۶ نفر در سال ۱۹۷۶ به ۱۰۰ نفر رسید. در نتیجه تغییرات کیفی حاصل شده از بینش و ارزشهای زنان، نتایج زیر در سال ۱۹۸۱ به دست آمد:

- ۱ - نهضت گسترده زنان صیاد باعث شد که آنها در جامعه صیادی مطرح شدند
- ۲ - مشارکت و حضور فزاینده آنها در امور صیادی و نهایتاً انتخاب دو زن نماینده از بین آنها
- ۳ - درخواست ایجاد دگرگونی بیشتر از جمله تصویب قوانین به نفع آنها.

برای مطالعه بیشتر ر.ک. به:

Approach to Participation in Rural Development, P.P. 53 - 54

۹) از جمله در طرح بالا (بهبود موقعیت زنان صیاد در برزیل) اهداف زیر مورد نظر بوده است:

۱- کاهش تابعیت زنان و پذیرش مسئولیت به وسیله آنان برای هدایت زندگی خود.

۲- ارتقاء شأن و منزلت زنان در جامعه

۳- تأثیرگذاری زنان صیاد بر شرایط صیادی و جامعه خود.

ر.ک. به: همان منبع، ص ص ۵۲ - ۵۱

Anders - Mafale, 10) Cultural Dimensions of Development, Seminar Report, Finland, 1985, Hjort, P. 25

۱۱) دینامیسم این رابطه بطور خلاصه عبارت است از: کمک مالی، مدیریتی و آموزشی و... به تعاونی در کوتاهمدت، همزمان با این حمایتها، ایجاد مکانیزمهای مؤثر و منطقی برای تقویت بنیه مالی، مدیریتی و آموزشی در تعاونیها و تثبیت آنها در میانمدت و حذف کمکها و حمایتیهای سازمان دولتی و رسیدن به استقلال تعاونی در بلندمدت بدین ترتیب کمکهای دولت خود عامل استقلال و خود انکابی تعاونی خواهد شد. برای شرح بیشتر ر.ک. به حمیدانصاری. جزوه انواع و کارکرد تعاونیها (زیراکس) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.



## اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی

۱۲) چه از نظر تئوریک و چه عملی اثبات شده که دستگاههای اجرایی دولت و مدیران دستگاههای فوق تمایل به حفظ رابطه اولیه و وابسته نگهداشتن تعاونیها و... به خود دارند. بسیاری و بلکه همه تعاونیهای جامعه ما و نیز تعاونیهای چند منظوره روستایی با تعاونیهای کشاورزی و... مصادیق مناسب این گفته است. ۱۳) بسیاری از تعاونیها به ویژه تعاونیهایی که در سالهای پس از انقلاب اسلامی به وجود آمدند مؤید این گفته است. در مشاعها و تعاونیهای اشتغال بیکاران، به دلیل نیاز به سرعت عمل و کمی فرصت، با وجود اصولی بودن و مناسب بودن فکر و طرح، عدم پیشبینی زمینه‌های قانونی لازم به دلیل تفسیر و متغیرهای متفاوت قوانین موجود، و انتخاب شیوه‌ها و اقدامات متفاوت در مناطق مختلف، به خاطر نبود دستورالعملهای یکسان، با اشکالات و تعارضهای زیاد روبه رو شدند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی